

حقوق تجارت

- ۵ -

در تجار و الزامات و تکالیف آنها

همان‌قسمتی که تشخیص معاملات تجارته از غیر تجارته لازم است همان‌قسم هم تاجر را از غیر تاجر باید تشخیص داد زیرا هر کسی نمی‌تواند مبادرت بامر تجارت کند.

تجارت برای بعضی از اشخاص ممنوع است و تمام اقسام تجارت آزاد نیست و بعضی از تجارت‌هاست که موضوع انحصار واقع می‌شود و الزاماتی نسبت به تاجر موجود است پس باید دید اولاً از چه جهت باید تاجر را از غیر تاجر تشخیص داد چه شرایطی برای آنکه کسی قانوناً بتواند بامر تجارت اشتغال ورزد لازم است چه تحدیداتی نسبت بامر تجارت موجود است اهلیت تاجر از چه قرار است و چه تکالیفی را قانون برای تاجر مقرر داشته است؟ ماده اول - قانون تجارت تاجر را چنین تعریف میکند: تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارته قرار دهد

مطابق این ماده برای آنکه قانوناً کسی تاجر شناخته شود دو شرط لازم است

اول انجام معاملات تجارته دوم آنکه معاملات مزبور را شغل خود قرار دهد

شرح معاملات تجارته - سابقاً شرح آن گذشت و محتاج به تکرار نیست و اما نسبت بقسمت دوم که مقصود قرار دادن معاملات تجارته که شغل آن باشد برای آنست که کافی نیست کسی بطور اتفاق معاملات تجارته کند بلکه معاملات مزبور از ناحیه مقصدی ان باید تکرار شود تا آنکه بتوان گفت معاملات مزبور را شغل خود قرار داده شرایط مذکوره در فوق دو شرط اساسی است

که قانون معلوم کرده ولی مسلم است برای آنکه کسی تاجر خوانده شود باید اهلیت قانونی را حائز باشد و علاوه معاملات را که میکنند بحساب خود باشد نه بحساب دیگری چنانچه اجزاء و خدومه تاجر دائماً معاملات تجارته میکنند ولی چون معاملات مزبوره را بحساب او بخویش انجام میدهند تاجر محسوب نمیشوند

در آزادی تجارت و تضییقات و تحدیدات راجع به آن

اصولاً هر فردی آزاد است هر شغلی را که مایست برای خود انتخاب کند ولی در امر تجارت آزادی مزبور مطلق نیست و تضییقاتی چه از حیث انحصار بعضی از تجارت‌ها بدولت و چه از حیث منع و جلوگیری از برخی کارهای تجارته از نقطه نظر حفظ منافع عمومی موجود است چنانکه حمل و نقل مراسلات پستی و تلگرافات را دولت بخود تخصیص داده یا ساختن باروت و آلات ناریه را ممنوع داشته و کلیه خرید و فروش و معاملات تریاک را بخود انحصار داده و برای بعضی از مشاغل تجارته اخذ تصدیقنامه و دیپلم را ضروری دانسته مثل تجارت دوا فروشی و نیز انجام شغل مزبور برای بعضی از اشخاص ممنوع است مثل قضاوت زیرا اشتغال به امر تجارت منافعی باشغل آن‌هاست

در اهلیت تاجر

بطور کلی هر کسی که برای معامله اهلیت داشته باشد میتواند تجارت کند اعم از آنکه مرد باشد یا زن تبعه داخله باشد یا از اتباع خارجه

قانون تجارت ایران فقط تاجر را تعریف کرده و در خصوص اهلیت و شرایط لازمه برای صحت معاملات تجارته

مقرر داشته و در ماده ۱۴ سندیت دفاتر مزبور را نیز معلوم ساخته ولی بهیچوجه ترتیب ثبت معاملات را در این دفاتر متعرض نگشته است.

طریقه ثبت و درج معاملات در دفاتر و نگاهداری محاسبه

برای آنکه تاجر بتواند با سهولت از اوضاع عمومی تجارت خویش با ترتیب تجارت خود یا یکی از طرفهای خود مطلع شود مربوط به علم دفتردار است این امر از موضوع بحث ما و بطور کلی از بحث علم حقوق خارج است. حفظ دفاتر برای تجار و شرکتهای تجاری نهایت ضرورت را دارد و اتباع خارجه هم که در ایران تجارت میکنند مانند اتباع داخله ملزم به رعایت مقررات راجعه بان خواهند بود.

قانون حد اقل دفاتر را که تاجر باید دارا باشد معلوم کرده و از دفاتری که تاجر نگاهداری میکنند فقط چهار دفتر را الزامی قرار داده است

۱ - دفتر روز نامه

۲ - دفتر کل

۳ - دفتر دارائی

۴ - دفتر کپی

- ۶ -

علاوه بر این دفاتر که هر تاجری را قانون مکلف بنگاهداری آن نموده دفاتر مخصوصی هم برای بعضی از تجار معین شده است مثل دفتری که ماده ۱۶۰ قانون تجارت برای دلالتها معین کرده است.

دفتر روزنامه

مطابق ماده ۷ قانون تجارت تاجر باید دفتر روزنامه داشته باشد که در آن همه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجاری و معاملات راجعه بانام او و اوراق تجاری و بطور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را به رسم و رسمی که باشد حتی و جوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت میکند در آن دفتر ثبت نماید.

سکوت اختیار کرده است عدم تعرض قانون بدین نکته موجب نمیشود اشخاصی که اهلیت برای تجارت دارند تجارت کنند. بلکه از این حیث تاجر هم تابع مقررات قانون مدنی است و برای آنکه بتواند مبادرت به معاملات تجاری نماید و معاملاتش صحیح باشد باید مطابق حکم کلی قانون مدنی و ماده ۲۱۰ ان اهلیت داشته باشد.

بر حسب ماده ۲۱۱ قانون مدنی برای آن که متعاملین اهل محسوب شوند باید عاقل و بالغ و رشید باشند پس دیوانه و سفیر و سلبه نظر به آنکه معاملاتشان باطل است اهلیت ندارند و نمیتوانند مبادرت بامرتجارت کنند و مطابق ماده ۲۱۳ قانون مدنی چون معامله محجورین نافذ نیست حجب نیز مانع از تاجر بودن است.

در تکالیف تجار

مطابق ماده ۶ قانون تجارت تجار مکلفند برای ثبت معاملات خود دفاتری داشته باشند

الزام تجار بداشتن دفاتر متضمن مقاصد مختلفی است اول حفظ منافع خود تجار زیرا با مراجعه بدفاتر میتوانند بطور صحیحی نتایج معاملات خویش را فهمیده باشند و اطلاع کامل دامنه معاملات را توسعه داده یا آن را محدود سازند.

ثانیاً - کمتر معاملات تجار با سند و قباله صورت میگیرد و سرعت معاملات تجاری طوری است که غالباً بدون مبادله هیچگونه نوشته و سندی انجام مییابد و در صورتی که دفاتری برای ثبت آن در کار نباشد در موقع بروز اختلاف هیچ دلیلی برای اثبات معامله در دست نخواهد بود و خلاصه هر گاه تاجری نتواند از عهده تمهیدات خود برآید و وقفه ای در تأدیبه دیونش حاصل شود مطابق ماده ۲۴۳ قانون ورشکسته شناخته شده که باید معلوم شود که ثلث نكس و ورشکستگی او چیست بواسطه حوادث بوده است یا مبنی بر تقصیر و تقلب او و فقط از روی دفاتر تجار ممکن است این نکته را تشخیص داد.

دفاتری را که هر تاجری مجبور به نگاهداری آن است قانون معین کرده و برای تنظیم دفاتر مزبوره ترتیباتی

دفتر کبیبه

هر تاجری باید کبیبه مراسلات و مکاتبات و مخابرات و صورت حساب های وارده خویش را بترتیب تاریخ ورود منظم کرده در لفاف مخصوصی آنرا ضبط کند و کبیبه مراسلات و مخابرات و صورت حساب هائی را که از تجار هفتانه او صادر میشود در دفتری که بنام دفتر کبیبه موسوم است بترتیب تاریخ ثبت نماید.

چون برای اثبات هر دعوی و اثبات انعقاد یا وقوع معامله دلیلی لازم است که در صورت اختلاف ذی نفع بتواند بوسیله آن وقوع عمل را باثبات برساند.

بسیاری از معاملات تجاری بوسیله مکاتبات و مخابرات صورت میگیرد و تطبیق مراسلات صادره و مراسلات وارده برای اثبات وقوع معامله اغلب مفید است. برای نیل بدقیقه مقصود راهی جز حفظ مکاتبات و مخابراتی که حاکی از پیشنهاد معامله از یکطرف و قبولی آن از طرف دیگر است متصور نیست. همچنین برای رعایت احتیاط تاجر باید کبیبه پروان و سایر اوراق و اسناد تجاری و صورت حساب هائی که وجه آنرا میبرد از خود در حفظ نگاهداری کند و رعایت این موضوع برای تاجر نهایت ضرورت را دارد.

دفاتر فرعی یا شیز اجباری

صرف نظر از دفاتر مزبوره که قانون نگاهداشتن آنها را برای هر تاجری تکلیف قرار داده تقریباً تمام تجار دفاتر دیگری نیز نگاهداری میکنند که این دفاتر را فرعی یا غیر اجباری میخوانند و قسمت اخیر ماده ۶ قانون تجارت هم بدین نکته اشاره کرده است. این دفاتر بر حسب اهمیت و نوع تجارت تاجر متفاوت خواهد بود ولی عموماً مقصود از نگاهداری این دفاتر آنست که تاجر بتواند بنحو کاملی از اوضاع عمومی تجارت خویش یا از ترتیب تجارت خود بایکی از طرفهای خود در هر موقعی بخواهد استحضار حاصل نماید. دفاتر فرعی که بیشتر معمول است عبارت است از دفتر باطله که در آن تاجر معاملات را بتدریج ضبط و ثبت نموده در موقع فرصت بطور یا کتویس در روزنامه وارد میکند.

دفتر روزنامه مبنی و اساس دفتر داری و محاسبات تاجر را تشکیل میدهد و در حقیقت صورت مجلس متروح و مبین بومیه است از زندگی تجاری تاجر که تأثیر مهمی را در امر تجارت او دارد و بهمین جهت است که نه فقط باید کبیبه معاملات خود را در آن ثبت کند بلکه مکلف است آنچه را که در روز بدستش میرسد و آنچه را که میبرد از دستش بعنوانی که باشد حتی اگر چیزی از دارائی خود را بکسی بدهد یا اگر از نا چیزی نصیب او شود در دفتر بومیه خود ثبت نماید.

دفتر کبیر یا دفتر کل

دفتر کل خلاصه مستخرجیه منظمی است از دفتر روزنامه زیرا مطابق ماده ۸ قانون تجارت تاجر مکلف است لااقل هفته یکبار کبیبه معاملات را از دفتر روزنامه استخراج کرده انواع معاملات را از یکدیگر تفکیک هر نوعی از آنرا در صفحه مخصوصی از دفتر کل ثبت کند.

دفتر دارائی

دفتر دارائی صورت جامعی از کبیبه اموال منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات گذشته تاجر را نشان میدهد و مطابق قانون تاجر مکلف است که دفتر دارائی حاکی از کبیبه دارائی خود بشروح مذکور در فوق ترتیب داده و دارائی خود را در دفتر مذکور ثبت کند و بر حسب قانون ترتیب دادن صورت دارائی و ثبت در دفتر مخصوص باید تا پانزدهم ماه اول هر سال انجام گیرد.

مقصود قانون آنست که صورت دارائی تاجر همه ساله منظم گشته در اوراقی که بیم تلف شدن آنها نباشد ثبت گردد.

دفتر دارائی در امر تجارت نهایت اهمیت را دارد زیرا از روی آن میتوان اوضاع تجاری تاجر را در هر سال بطور صحیح تشخیص داد.

بسیاری از تجار برای سهولت امر و تشخیص اوضاع تجاری خود صورت دارائی خویش را تنظیم کرده در دفتر دارائی ثبت میکنند.

دفتر صندوق

این دفتر دفتری است که در آن تاجر وجوهی را که دریافت میکند و وجوهی را که میپردازد ثبت میکند و ثبت مزبور تاجر را قادر میسازد که در هر دقیقه‌ای بایک جمع و تفریق موجودی صندوق خود را تشخیص دهد

دفتر خرید و فروش

که حاکی از صورت حساب های ارسالی برای خریداران و صورت حسابهای واصله از فروشندگان است

دفتر برات و فته طلب

که تاجر در آن کلیه بروات و فته طلب هائی را که باید بپردازد و یا بروات و فته طلب هائی را که باید وصول نماید بامیزان وجه هر یک و تعیین موعد تأدیه یا وصول آن ثبت میکند

- ۷ -

دانستن مراتب مزبوره برای تاجر نهایت اهمیت را دارد زیرا برای وصول و تأدیه وجه برات و فته طلب قانون مقرراتی از قبیل اقتراض معین نموده و مواعد مخصوصی برای آن معین کرده است که عدم رعایت مقررات در موارد خاص حقوقی را از دارنده برات سلب میکند - (مقررات مربوطه بدفاتر تجارته) .

مقررات مربوط بدفاتر تجارته

مقرراتی را که قانون نسبت بدفاتر تجارته معین کرده است برای حصول اطمینان از صحت مندرجات دفاتر و جلوگیری از تقلباتی است که ممکن است در دفاتر تجارته بعمل آید زیرا بر رعایت این نکات تاجر قادر نخواهد بود که تقدم و تأخیری در تاریخ معاملات بنمایند یا اوراقی را در دفاتر خود وارد کرده یا اوراقی را از دفاتر خارج کنند هر تاجری قبل از اینکه چیزی در دفاتر خود بنویسد مطابق قانون مکلف است که شرایط مندرجه در ماده ۱۲ قانون تجارت را رعایت کند - شرایط مزبوره از قرار ذیل است:

دفاتر تجارته باید دارای نمره ترتیبی باشد و قبطان کشیده بامضاء رئیس محکمه یا یکی از قضات عدلیه یا افسران پار که برسد - قبل از امضاء مقصدی آن باید صفحات دفتر را شماره در صفحه اول و آخر مجموع صفحات را باسم و رسم دفتر و با قید تاریخ و با تمام حروف نوشته آنرا امضاء نماید و با هر سری آنرا منگنه کند .

رعایت این نکات تقلب کردن در دفاتر را مشکل میسازد و کمتر اتفاق می افتد که تاجری با این ترتیب بخیال کشیدن اوراقی از دفتر خود افتاده و یا اوراق جدیدی را بدفتر وارد سازد زیرا در این صورت مرتکب جرم و تزویر شناخته شده و مطابق قانون مجازات عمومی تعقیب خواهد شد .

برای جلوگیری از الحاقات یا تغییرات یا تقدم یا تأخر معاملات ماده ۱۳ قانون تجارت تاجر را مکلف ساخته است که معاملات و صادرات و واردات را بترتیب تاریخ در صفحات نوشته و از تراشیدن و حاک کردن و جای سفید باقی گذاشتن و در حاشیه ما بین سطور نوشتن ممنوع داشته است و هر گاه در موقع نوشتن - بهر یا اشتباهی برای تاجر رخ دهد مطابق قانون تراشیدن و حاک کردن را بکلی ممنوع داشته مگر اینکه با توضیح بقید مخصوصی در دفتر در همان تاریخی که اشتباه حاصله معلوم است آنرا اصلاح کند .

این ترتیبات مطابق ماده ۱۱ قانون تجارت باید در موقع تجدید هر دفتر رعایت شود .

قانون موقع تجدید دفاتر را صریحاً معین نکرده از ماده ۱۳ تجارت چنین مستفاد است که نظر مقنن آنستکه دفاتر در آخر سال بسته شده تجدید گردد .

و از اینرو میتوان گفت که رعایت ترتیبات قانونی سالی یکمرتبه نسبت بدفاتر تجارته اجباری است باستثنای دفتر کبیه و علت این استثناء آنست که چون در دفتر کبیه مراسلات و مکاتبات صادره کبیه میشود اصول آن در دست طرف باقی است و تزویر و تقلب در دفتر کبیه آسان نیست .